

تاریخ ملک آرا

تالیف: میرزا علی قلی اقبال چلاوی

نسخه خطی

○ جمشید قائمی

از چه ازیرا که اشبهند با زمان

نیز ز گردون امید مهر گسستم

چون که بدیدم به چشم عقل به دوران

باز ندانند سقیه را از دانا

باز ندانند لیبب را از نادان

زانکه بیخشدن همی مگس را شکر

زانکه بیارد همی هما را سخنوان»^۲

* * *

در شعر دیگری گوید:

«تاثیر نگاه تو به دل کارگر آمد

این خون شده مشتاق نگاه «دگر» آمد

گفتم به وصال شبی ای مه به سر آرم

دردا که به هجران تو روزم به سر آمد

خرم دل مرغی که چو مرغ دل «اقبال»

افتاد به دام تو و بی‌بال و پر آمد»^۳

* * *

و در شعر دیگری نیز گوید:

«درگه شه غیرت چرخ برین کردند باز

چرخ را از خرمن شه خوشه‌چین کردند باز

هر شکوهی کاسمان را بود اندر طیلسان

آستانش را همی در آستین کردند باز

مطربان مجلس از آوای و بانگ چنگ و نی

گوش سگان فلک را پر طنین کردند باز

نسخه خطی تاریخ ملک آرا اثر میرزا علی قلی متخلص به اقبال از اهالی چلاوی
آمل می‌باشد. وی در جوانی به کرمانشاهان رفته و به تحصیل نظم و نثر عربی و
فارسی پرداخت. در همان شهر به سمت منشی‌گری شاهزاده محمدعلی میرزا
دولتشاه قاجار رسید. سپس مطابق دستور به ندیمی و منشی‌گری تهماسب میرزا
مؤیدالدوله^۱ به همدان رفت. پس از آن در تهران به مدت دو سال ندیم علی‌رضا
میرزا^۲ شهره پسر فتحعلی شاه بود تا آن که همایون میرزا^۳ مأمور حکومت نهاوند
شد و اقبال چلاوی به مدت دو سال در خدمت او باقی ماند. بعد از آن نیز مدت سه
سال ندیم محمدقلی میرزا ملک‌آرا^۴ بود. سرانجام اقبال چلاوی در سال ۱۲۴۸ هـ.
ق. در طی نزاعی که در زادگاهش، چلاوی، روی داد، به قتل رسید. اقبال چلاوی
در فن شاعری پیرو سبک خراسانی بود و برخی از اشعارش را در لابه‌لای صفحات
این کتاب به مناسبت‌هایی آورده است. در شرح حال خود طی قصیده‌ای می‌گوید:

«روز و شب از دور چرخ و گردش دوران

آمد میزان مرا چو کفه میزان

سالی اند است تا که دور بماندم

چون حدثان از در خدیو جهانیان

گرچه به میزان مساویند به تقریب

لیک به تحقیق بر من آمد میزان

خلقانی چند بود و آن هم خرقه

حاصل کیهان مرا نهفته زخلقان

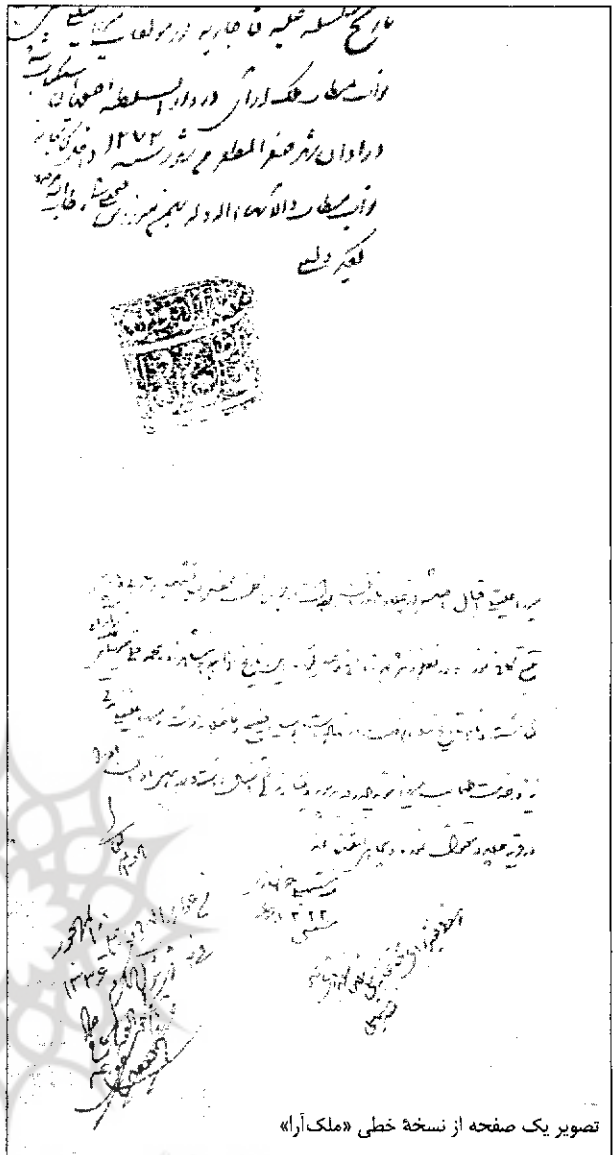
تا که بر انداختم زمانه هبا شد

آن چه بر اندوختم ز حاصل کیهان

خلق زمان راست مثل خصیم آری

کتاب با نثر خاص ابتدای دوره قاجاریه نوشته شده و پر از الفاظ منشیانه، اشعار عربی و فارسی، جملات مطول عربی و در برخی قسمت‌ها نیز آیات قرآنی است

- ۳- جنگ فتحعلی خان با ملک محمود سیستانی و قتل فتحعلی خان بر اثر توطئه نادر افشار.
- ۴- احوال محمدحسن خان از کودکی تا سروری.
- ۵- تسخیر گیلان و فیروزکوه و دماوند توسط محمدحسن خان در ۱۱۶۳ ه. ق.
- ۶- جنگ شاهپسند خان افغان و حسین خان قاجار در استرآباد و مازندران به دستور احمد شاه درانی و محمدحسن خان قاجار.
- ۷- جنگ کریم خان زند و محمدحسن خان قاجار در استرآباد و شکست کریم‌خان.
- ۸- جنگ محمدحسن خان با لاریجانی‌ها.
- ۹- حرکت محمدحسن خان به گیلان و قزوین و جنگ با کریم‌خان در کلون‌آباد و تسخیر اصفهان و بازگشت به مازندران.
- ۱۰- تنبیه طایفه عزالدین لو به حکم محمدحسن خان به علت خیانت آنها.
- ۱۱- ظهور آزادخان افغان و شکست او در تسخیر گیلان و پیروزی محمدحسن خان بر او.
- ۱۲- دیدار محمدحسن خان با سران سپاه در اشرف.
- ۱۳- حرکت محمدحسن خان به شیراز و محاصره آن و نفاق در لشکر او و عزیمت او به مازندران.
- ۱۴- جنگ شیخ علی‌خان زند و محمدحسن خان و کشته شدن محمدحسن خان در ۱۱۷۲ ه. ق.
- ۱۵- حسین‌قلی خان و حرکت به سمت دامغان و استرآباد.
- ۱۶- تسخیر قلعه نمکه دامغان توسط حسین‌قلی‌خان.
- ۱۷- جنگ جهان سوز شاه با عوامل کریم‌خان در هزار جریب.
- ۱۸- تولد فتحعلی شاه.
- ۱۹- اختلاف آرا در زمان تولد فتحعلی شاه.
- ۲۰- واقعه کشته شدن فغان علی‌خان قاجار و تسخیر قلعه فوجرد.
- ۲۱- جنگ محمدخان سوادکوهی با جهان‌سوزشاه و قتل سوادکوهی و تعیین علی محمدخان زند از سوی کریم‌خان.
- ۲۲- تسخیر قلعه محمود و دروهمله در استرآباد.
- ۲۳- جنگ حسین‌قلی‌خان با طوایف کتول.
- ۲۴- تسخیر قلعه سیاه‌تلو.
- ۲۵- اعزام مهدی خان دادو توسط کریم‌خان به حکومت مازندران و جنگ حسین‌قلی‌خان با او.
- ۲۶- ماموریت زکی خان زند از سوی کریم‌خان به سرداری مازندران و استرآباد.
- ۲۷- توقف حسین‌قلی‌خان در جاجرم و جنگ با طوایف گوکلان.
- ۲۸- ارسال باباخان به شیراز.
- ۲۹- رابطه جهان‌سوزشاه با طوایف گوکلان.
- ۳۰- تاراج بسطام و شهادت جهان‌سوز شاه پس از مراجعت از آن جا.
- ۳۱- آقامحمدخان از ولادت تا رفتن به شیراز و از شیراز تا استرآباد.
- ۳۲- ورود آقامحمدخان به مازندران و مخالفت مرتضی‌قلی‌خان با وی.
- ۳۳- اختلافات امرای زندیه پس از مرگ کریم‌خان و مامور شدن علی
- رقص را رامشگران از عشوه‌های نغم نغم
بس شگفتی‌ها به کار آن و این کردند باز
در بدلهای عقدهای بیخ بیخ افکنده‌ایم
چون گره از زلفکان عنبرین کردند باز»^۱
* * *
- مشخصات نسخه خطی تاریخ ملک‌آرا:
علی‌قلی (اقبال) چلاوی. تاریخ ملک‌آرا (تاریخ قاجاریه)، کتاب خانه ملکه به شماره ۴۱۶۱، خط نستعلیق، ۱۷۲ ورق چرمی، ص ۲۵۲۰، سانت، ۳۴۴ ص.
نسخه خطی تاریخ ملک‌آرا از تواریخ بسیار مهم و ارزنده اوایل دوره قاجاری است که از برآمدن فتحعلی خان قاجار در منطقه استرآباد تا وقایع سال ۱۲۰۹ ه. ق. یعنی اواخر حکومت آقا محمدخان قاجار را در بر می‌گیرد. اقبال به دستور محمدقلی میرزا ملک‌آرا، تاریخ قاجاریه را نوشت و به نام او ملقب کرد.
از این کتاب سه نسخه در کتابخانه‌های ملی، ملک و مجلس موجود است. ابن یوسف شیروازی در جلد دوم فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی درباره این کتاب می‌نویسد: اقبال چلاوی، وقایع را تا آخر شعبان ۱۲۴۴ ه. ق. به رشته تحریر درآورده است. ولی مرحوم محمد طاهری شهاب در شرح‌حالی که از اقبال در دوره ۳۸ مجله ارمغان آورده می‌نویسد که در این کتاب حوادث دوران اولیه قاجار تا تاریخ ۱۲۰۹ ه. ق. ثبت است. نویسنده خود در فهرست کتاب می‌گوید: من این کتاب را در دو مجلد نوشته‌ام. جلد اول آن از ابتدای این سلسله تا پایان سرگذشت آقا محمدخان و سپس در جلد دوم، کتاب را به دوران فتحعلی شاه اختصاص داده‌ام. درحالی که از جلد دوم خبری نیست. و جلد اول آن نیز، هم در نسخه کتابخانه ملی و هم در نسخه کتابخانه ملک تا وقایع سال ۱۲۰۹ ه. ق. را در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد فهرست‌نویس کتاب‌خانه مجلس شورای ملی به نوشته مؤلف در فهرست مطالب توجه داشته است.
نویسنده در آغاز کتاب می‌گوید: این کتاب را در دو مجلد نوشته‌ام. در جلد اول به تشریح اسباب ترک به‌طور عمومی و طایفه قاجار به‌طور اختصاصی و دلیل مهاجرت این طایفه در زمان شاه قلی‌خان قاجار از گنجه و توطن در استرآباد، برآمدن فتحعلی‌خان قاجار تا پایان سلطنت آقامحمدخان قاجار و آن چه از روایات و شنیده‌ها موجود بوده پرداخته است. در جلد دوم به شرح مختصری از دوران زمامداری فتحعلی شاه و ویژگی‌های دولت او و در پایان به ذکر فرزندان ملک‌آرا، باغها و عمارات او اشاره کرده است. از جمله ابتکارات مؤلف ذکر اسامی این است که هر یک از سلاطین را به جهت جلوگیری از تکرار اسامی به لقبی خاص نام برده است. برای مثال: فتحعلی‌خان قاجار را خاقان مغفور، محمدحسن خان را سلطان سعید، حسین‌قلی‌خان را جهان‌سوز شاه، آقامحمدخان را حضرت ظل‌اللهی، فتحعلی شاه را در جلد اول نواب جهانبانی و در جلد دوم حضرت صاحب قرآنی و محمدقلی میرزا، حاکم مازندران، را به ملک‌آرا و این کتاب را به نام او به تاریخ ملک‌آرا ملقب کرده است. عنوان مطالب کتاب از ابتدا تا انتها به ترتیب زیر است:
- ۱- حرکت فتحعلی خان از استرآباد به طرف اصفهان و کمک به سلطان حسین صفوی و اعراض شاه صفوی از او و مراجعت او به منطقه استرآباد.
 - ۲- حرکت فتحعلی‌خان به همراه تهماسب دوم صفوی به سوی خراسان و سپس رفتن او به طرف تهران و جنگ با افغانها و بازگشت به دامغان.



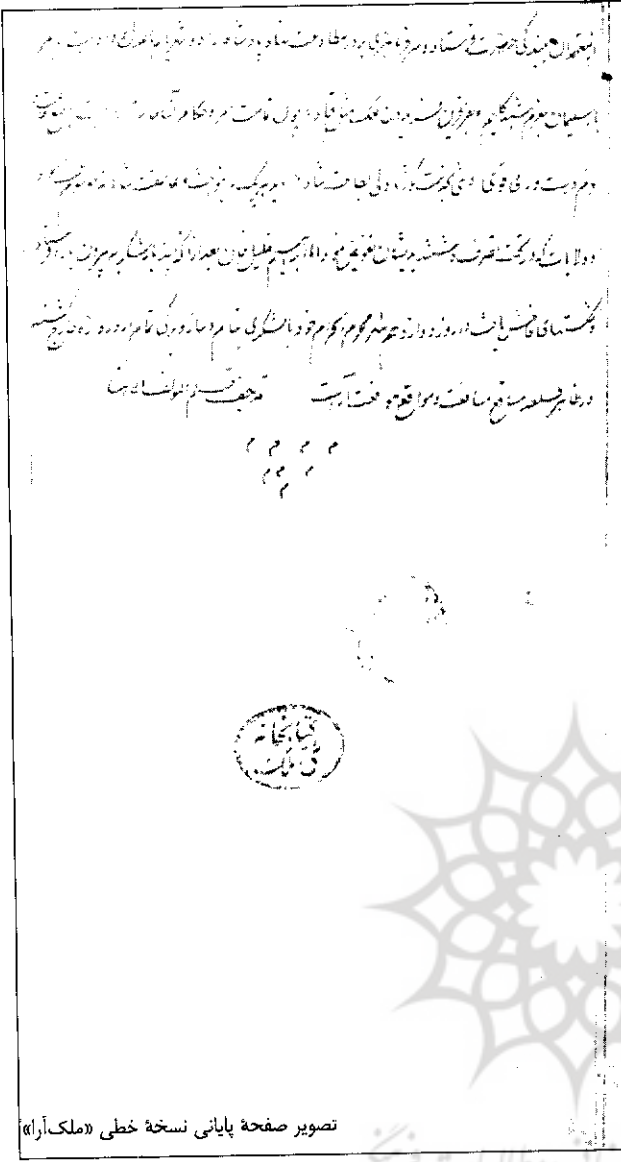
تصویر یک صفحه از نسخه خطی «ملک آرا»

**تاریخ ملک آرا از تواریخ مهم و ارزنده
اوایل دوره قاجار است که از برآمدن
فتحعلی خان در منطقه استرآباد تا وقایع
سال ۱۲۰۹ ه. ق.
یعنی اواخر حکومت آقامحمدخان قاجار را
در بر می گیرد**

۴۸. حرکت شیخ اویس خان از سوی علی مرادخان به مازندران.
۴۹. مخالفت مرتضی قلی خان با آقا محمدخان و شکست شیخ اویس خان در ساری.
۵۰. حرکت آقامحمدخان به طرف اصفهان.
۵۱. تتمیم احوال مرتضی قلی خان و خاتمه کار رضاقلی خان.
۵۲. حرکت آقامحمدخان به سمت قم و کاشان.
۵۳. جنگ آقامحمدخان با طوایف بختیاری و بازگشت آقامحمدخان به تهران.
۵۴. جنگ والی کردستان - خسروخان و علی خان افشار با جعفرخان در حدود همدان و فرار جعفر خان.
۵۵. حرکت آقا محمدخان به طرف عراق عجم.
۵۶. تسخیر گیلان و کشته شدن هدایت‌الله خان.
۵۷. حرکت آقامحمدخان به سمت اصفهان در ۱۲۰۱ ه. ق.
۵۸. دگر جنگ جعفرقلی خان با امیرمحمدخان طوسی در حدود اصفهان.
۵۹. حرکت آقامحمدخان به سمت شیراز.
۶۰. اختلال اوضاع گیلان و اصفهان.
۶۱. حرکت آقا محمدخان به شیراز و جنگ با لطفعلی خان زند. ۱۲۰۳ ه. ق.
۶۲. روی آوردن خسروخان - حاکم کردستان - به درگاه آقا محمدخان.
۶۳. ماموریت باباخان به آذربایجان.
۶۴. پایان کار جعفرقلی خان.
۶۵. غلبه مرتضی قلی خان بر گیلان برای بار دوم و مامور شدن حاجرضا خان قاجار به جنگ او.
۶۶. حرکت آقامحمدخان به سمت آذربایجان و تسخیر آن جا.
۶۷. ورود میرزا رضاقلی منشی الممالک به اصفهان و سپس شیراز به همراه مصطفی قلی خان قاجار و جنگ مصطفی قلی خان با لطفعلی خان زند.
۶۸. حرکت آقامحمد خان به شیراز و شیبخون لطفعلی خان زند.
۶۹. در توصیف سور با سرور امیرزادگان اعظم حسین قلی خان و ابراهیم خان.
۷۰. حرکت آقامحمدخان برای تسخیر ولایت کرمان و ارسال باباخان به آن حدود.
۷۱. دگر بازگشت سپاه آقامحمدخان به استرآباد و جنگ با طوایف یموت.

- مرادخان از سوی زکی خان به عراق و مازندران و مخالفت امرای لاریجان با آقامحمدخان.
۳۴. حرکت آقامحمدخان به تهران.
۳۵. جنگ‌های جعفرقلی خان و خان ابدال خان با رضاقلی خان و خوانین لاریجان.
۳۶. ذکر هدایت‌الله خان گیلانی و جنگ جعفرقلی خان با او.
۳۷. حرکت مرتضی قلی خان از استرآباد به مازندران و جنگ با خان ابدال خان و رهایی آقامحمدخان از بندگی.
۳۸. داستان جنگ بابا خان با قادرخان و صلح آقا محمدخان با مرتضی قلی خان.
۳۹. خاتمه امور اعیان زندیه و جنگ امیرگونه خان افشار با قاجاریه در آمل.
۴۰. حرکت آقا محمدخان به طرف سمنان و بسطام.
۴۱. ماموریت مرتضی قلی خان از سوی آقامحمدخان برای تسخیر گیلان.
۴۲. حرکت آقامحمدخان به طرف استرآباد.
۴۳. جنگ آقامحمدخان از گیلان به قزوین.
۴۴. حرکت آقا محمدخان از گیلان به قزوین.
۴۵. دستگیری کرافس خان سردار روس توسط باباخان.
۴۶. سال ۱۱۹۷ ه. ق و جشن و سرور باباخان.
۴۷. حرکت آقامحمدخان برای تسخیر تهران.

کتاب به پیشنهاد محمدقلی میرزا ملک آرا
فرزند فتحعلی شاه و به منظور
تکمیل احسن التواریخ ساروی
نگارش یافته از این روی اقبال چلاوی
عنوان آنرا تاریخ ملک آرا
نهاده است



تصویر صفحه پایانی نسخه خطی «ملک آرا»

۷۲. حرکت آقامحمدخان به سمت کرمان در ۱۲۰۸ هـ. ق.

۷۳. حرکت آقا محمدخان از اصفهان به سمت کرمان.

۷۴. حرکت آقامحمدخان به آذربایجان و تنبیه ابراهیم خلیل خان در ۱۲۰۹

هجری.

کتاب با نثر خاص دوره قاجار نوشته شده و پر از الفاظ ادیبانه و منشیانه است. در آن اشعار عربی و فارسی به وفور دیده می‌شود و جملات مطول عربی نیز به چشم می‌خورد و در برخی قسمت‌ها از آیات قرآنی نیز استفاده شده است. برخی اشعار از خود مؤلف است و برخی دیگر مربوط به شعرای گذشته می‌باشد ولی به ندرت به نام شاعر اشاره کرده است.

مؤلف در دیباچه به مدح خسروزمان - فتحعلی شاه - و سبب تألیف کتاب و ستایش حاکم مازندران - ملک آرا - پرداخته است. از همان ابتدای دیباچه پنداست که نویسنده تا چه حد سرسپرده سلسله قاجار و آستان بوس درگاه آنها می‌باشد. از این رو وی در تذکره مورخان قاجاری به خیل مورخان درباری می‌پیوندد. در باب تولد شاه می‌نگارد:

دهر پر آشفته را نوبت سامان رسید

کشور بی ضبط را مژده که سلطان رسید

همای اوج شهر بال جلالت گشود

وز فر اوهان دهان اثر به کیهان رسید

* * *

که بهر خدمت او سرنگون همی آیند

به وقت مولد او از ارحام مادران طفلان

* * *

ساحت دهر چون بهشت برین

ار چه از مقدم مبارک توست

تخت جمشید و تاج افریون

آرزومند چین تارک توست

وی درباره حکومت فتحعلی شاه می‌نویسد: عرصه جهان را که به عرصه جهان است از عوارف عفو و عدل و فیض و فضل و باس و بسط و بذل بی‌توسط تصلف بیاراست و ساحت ملک را از شوایب آشوب و خاشاک عدوان طغیان

عدالت بی سنت ادات به پیراست... یاد در باب ملک آرا می‌نویسد: نور حدقه خلافت و نور حدیقه سلطنت مهین پور پادشاه جهان و شهریار زمان... شاه زاده آزاده محمدقلی میرزا... زمانی که به او پیشنهاد تاریخ‌نویسی شد، ابتدا خود را لایق این امر ندانسته در این باره می‌نویسد: بارها مایل امتحان طبع مایل و خاطر ناقابل گشته در تعلیق و تلفیق میالغت کردم متابعت نکرد و مجانبت ورزید و می‌گفت از قطره خونی چه آید و از سواد بی‌سیتی چه زاید و چه گشاید. می‌نگشاید ز سعی تو مشکل من

افسوس ز سعی‌های بی‌حاصل تو

مدت العمر از تراکم غبار عموم و انبوه اندود جز اشک دمام و سرشک بیایی حاصلی ندیدم و گل مرادی نجیدم و در مقام انس و راحت دمی نغنودم و نیاسودم. سودم از سودات جز سودا نبود.

اما بعد به این نتیجه می‌رسد که:

ذره را آفتاب برگیرد

مس به اکسیر نام زر گیرد

و بی‌تکلف دست قبول این تکلیف بر سینه نهاد و انگشت تسلیم بر دیده.

شکر خدای کن که موفق شدی به خیر

و انعام و فضل او نه معطل گذاشت

ممت منه که خدمت سلطان همی کنی

ممت شناس ازو که به خدمت بنداشت

